

احمد مجدالاسلام کرمانی روایتگر مشروطه

مریم کمالی
حبیب حاجی حیدری

با مقدمه‌ای از
دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی

تهران - ۱۳۹۰

سرشناسه	کمالی، مریم
عنوان و نام پدیدآور	احمد مجدالاسلام کرمانی روایتگر مشروطه / مریم کمالی، حبیب حاجی حیدری؛ با مقدمه‌ای از محمدابراهیم باستانی پاریزی.
مشخصات نشر	تهران: علم، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	۲۱۴ ص.
شابک	978 - 964 - 224 - 248 - 9
وضعیت فهرست‌نویسی	فیا
یادداشت	کتابخانه: ص ۱۷۱-۱۸۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	مجدالاسلام کرمانی، احمد، ۱۳۴۲-۱۳۸۸ ق.
موضوع	روزنامه نگاران ایرانی
شناسه افزوده	ایرانی -- تاریخ -- انقلاب مشروطه. ۱۳۲۴-۱۳۲۷ ق. -- مطبوعات
شناسه افزوده	حاجی حیدری، حبیب
رده‌بندی کنگره	باستانی پاریزی، محمدابراهیم، ۱۳۰۴ - ، مقدمه‌نویسی
رده‌بندی دبیری	۱۳۹۰ ک ۸۲۲۰۳/ف
شماره کتابخانه ملی	۹۲۰/۰۲
	۲۴۰۶۸۸۲



نسخه

احمد مجدالاسلام کرمانی روایتگر مشروطه

مریم کمالی - حبیب حاجی حیدری

چاپ اول، ۱۳۹۰

تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه

لینوگرافی: باختر

چاپ و صحافی: رامین

خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری

بزم گرانفر. پلاک ۴، تلفن ۶۶۴۱۲۳۵۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

شابک ۹ - ۲۴۸ - ۲۲۲ - ۹۶۴ - ۹۷۸

یادداشت

در جزء کسانی که در روزگار مشروطه‌طلبی از فعالان نامدار و برجسته بودند یکی هم مرحوم شیخ‌احمد مجدالاسلام کرمانی است و البته این از افتخارات کرمان است که چند تن از بزرگترین مشروطه‌خواهان ایرانی کرمانی بوده‌اند - که از آن جمله از مرحوم ناظم‌الاسلام کرمانی ناظم مدرسه الاسلام و صاحب تاریخ بیداری ایرانیان - و مرحوم ناظم‌الاطباء کرمانی طبیب مخصوص مظفرالدین شاه، و بالاخره همین مجدالاسلام کرمانی است.

اهمیت انقلاب مشروطه در تاریخ ایران بر کسی پوشیده نیست. اهمیت در شناخت مشروطیت و کسانی است که در آن سال‌ها با این نحوه تفکر اجتماعی آشنا شده بودند و از جان و دل در ترویج آن می‌کوشیده‌اند.

مجدالاسلام از خاندان بزرگ قدیم کرمانی بود که از عصر صفویه و حتی پیش از آن در کرمان صاحب نام و مقامات بوده‌اند - و یکی از افراد برجسته آن خاندان، خاندان قلی‌بیگ کرمانی است که مورد خشم نادرشاه قرار گرفت و به وضعی دردناک به قتل رسید، و قبر اجدادش درگاه قلی‌بیگ در شرق کرمان معروف است و مقبره مجدالاسلام هم به همین مناسبت در آن محل است.

موجب کمال خوشوقتی است که بانوی خوش‌قلم با فضیلت سرکار خانم مریم کمالی (حاج‌حیدری) - که اصلاً اصفهانی هست، ولی با کرمانیان نیز بی‌لطف نیست - در طی ایام تحصیل خود، متوجه اهمیت کوشش‌های این مرد کرمانی تبعید شده به کلات - یعنی مجدالاسلام، در امر مشروطیت شده، و رساله خود را در باب او نوشته است.

مجدالاسلام با اصفهان بیگانه نبود، او سال‌های سال ندیم و همراه ظل‌السلطان حاکم مقتدر اصفهان بود، و روزنامه خود را در اصفهان منتشر می‌کرد، و شاید برای خواننده این یادداشت عجیب باشد اگر بگویم ظل‌السلطان

یکی از کسانی است که بهترین و مستدل ترین دفاع را از حکومت مشروطه و اصول آن در خاطرات خود - تارینه مسعودی - به عمل آورده است - و شاید به همین دلایل بود که در روزگاری که شاه قاجار و بسیاری از شاهزادگان، همه از توپ بستن مجلس به اروپا مهاجرت و فرار می کردند، این ظل السلطان در حالی که در اروپا بود به ایران برگشت و هر چند در رشت از وی استقبالی نشد - بلکه مورد مصادره نیز قرار گرفت، با همه اینها او اعتقاد خود را به مشروطیت نوشت و چاپ کرد. و من اطمینان دارم که یکی از عوامل توجه او به این نحوه حکومت، معاشرت او با کسانی چون مجدالاسلام کرمانی بوده است.

مجدالاسلام یک تاریخ بسیار شیوا نیز برای مشروطیت نوشته که بعد از تاریخ ناظم الاسلام، قدیمی ترین و شاید هم مفصل ترین تواریخ صدر مشروطه باشد.

به علت استقلال فکری که همیشه داشت، البته در مشروطه جزء طبقات عالیّه در نیامد و اواخر عمر را تنها به ریاست معارف کرمان پرداخت و در همانجا در گذشت.

نگارنده این مقدمه سال های سال با چند تن از فرزندان مجدالاسلام آشنا و همراه بوده ام از جمله مرحوم دکتر محمدخان مجد که رئیس بهداری سیرجان بود و اغلب به پاریز می آمد، و همچنین با مرحوم بهرام خان مجد که به وکالت مجلس شورای ملی نیز در زمان مرحوم مصدق رسید، و بعد از کودتای بیست و هشت مرداد - وکیل مدافع مرحوم دکتر مصدق نیز شد. و من داستان آن را به تفصیل در یکی از کتاب هایم نوشته ام. نوه های او از جمله محمود مجدزاده - از شاگردان و بعداً همکاران من بودند، و عروس دکتر مجد یعنی خانم دبستانی همسر محمود نیز از شاگردان من در دبیرستان بهمنیار بود.

با این مقدمات معلوم است که باید خوشحالی خود را اظهار کنم از اینکه یک بانوی اصفهانی در کمال علاقه و با دقت رساله پایان تحصیلات خود را در باب مرحوم مجدالاسلام نوشته باشد، و خوشحالی من بیشتر می شود اکنون که می بینم آن رساله به زیور چاپ نیز آراسته شده است - و باید تبریک بگویم به این بانوی صاحب نظر که به این کار مهم دست یازیده است - کاری است که حداقل می بایست یکی از ما کرمانی ها در سیصد سال مشروطه کرده باشیم، و متأسفانه کوتاه آمده ایم. و اینک باید عرق جبین خود را پاک کنیم.

اردیبهشت ماه ۱۳۹۰

آوریل ۲۰۱۱

باستانی پاریزی

فهرست

صفحه	عنوان
۱.....	پیشگفتار.....
	بخش اول: نگاهی به بستر فکری و اجتماعی رشد و نمو مجدالاسلام کرمانی
۵.....	فصل اول: بافت سیاسی - اجتماعی کرمان.....
۱۰.....	بالیدن مجدالاسلام در کرمان.....
۱۵.....	فصل دوم: بافت اصفهان و تاثیر آن بر.....
۱۵.....	بافت سیاسی - اجتماعی اصفهان.....
۱۸.....	بافت دینی اصفهان.....
۲۰.....	مجدالاسلام و مناسبات با علمای اصفهان.....
۲۳.....	فصل سوم: سیر زندگی و فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی.....
۲۳.....	مجدالاسلام و تاسیس انجمن و مدارس جدید.....
۲۷.....	مجدالاسلام و شرکت اسلامی.....
۲۹.....	سال‌های پایانی زندگی در اصفهان.....
۳۱.....	آرا و اندیشه‌های مجدالاسلام کرمانی در اصفهان.....
۳۲.....	رویای صادقانه.....
	بخش دوم: مجدالاسلام کرمانی از ورود به تهران تا صدور فرمان مشروطیت
۴۳.....	فصل اول: نگاهی به اوضاع سیاسی - اجتماعی تهران.....
۴۳.....	بافت قدرت سیاسی در تهران.....

۴۶.....	اوضاع فکری در تهران
۵۰.....	مجدالاسلام و انتخاب روزنامه‌نگاری
۵۲.....	فصل دوم: مقدمات نهضت مشروطیت و مجدالاسلام
۵۳.....	روزنامه ادب
۶۰.....	عضویت در مجامع و انجمن‌ها
۶۱.....	تبعید به کلات
۷۳.....	فصل سوم: مجدالاسلام اندیشه‌ها و نگرش‌ها...
۷۳.....	دوره پیش از تبعید
۷۵.....	سفرنامه کلات به آورد دوران تبعید
	بخش سوم: مجدالاسلام کرمانی از صدور فرمان مشروطیت تا پایان دوران استبداد صغیر
۸۵.....	فصل اول: فعالیت‌های سیاسی - فکری
۸۵.....	دوران مشروطیت
۸۷.....	مجدالاسلام کرمانی روزنامه‌نگاری از تبار مشروطه
۹۳.....	حب الوطن من الایمان در روزنامه ندای وطن
۱۰۴.....	روزنامه کشکول و پرداختن به کاریکاتور
۱۱۸.....	روزنامه محاکمات یا فریاد عدالت
۱۲۴.....	روزنامه الجمال
۱۲۷.....	فصل دوم: مجدالاسلام کرمانی، آرا و اندیشه‌ها
۱۲۷.....	تاریخ انحطاط مجلس فصلی از...
۱۳۴.....	دوران استبداد صغیر

فصل سوم: اتهامات مشروطه خواهان به مجدالاسلام ۱۴۱

مجدالاسلام و انگیزه سفر به اصفهان ۱۴۱

مجدالاسلام و محمدعلی شاه ۱۴۵

بخش چهارم: از تبعید به کرمان تا مرگ

فصل اول: کرمان زادگاه و آرامگاه مجدالاسلام ۱۵۱

دوران تبعید و انزوا ۱۵۱

فصل دوم: آرا و اندیشه های مجدالاسلام در کرمان ۱۵۵

روزنامه دارالامان ۱۵۵

منظومه شهر خاموشان یا اوضاع عدلیه سابق ۱۶۰

نتیجه ۱۶۷

منابع و مآخذ ۱۷۱

پیوست ۱۸۱

پیشگفتار

مجددالاسلام کرمانی روحانی مشروطه خواه، از جمله شخصیت‌هایی است که در دوره‌ی مشروطیت حضور سیاسی فعالی داشته است. وقتی به فعالیت‌های سیاسی- اجتماعی و نظرگاه‌های او دقت می‌کنیم، هرگز نمی‌توانیم نقش قدرتمند او در پیشبرد نهضت مشروطیت و نیز نگاه روشن او نسبت به این رویداد مهم تاریخ ایران را نادیده بگیریم. ولی نکته‌ای که جای سؤال و بررسی بسیار دارد، نادیده گرفته شدن او توسط محققین برجسته و کاوشگران عرصه‌ی مشروطیت است.

مجددالاسلام کرمانی با وجود داشتن پایگاه سنتی، بسیار تحت تأثیر جریان‌های نوگرایی فکری- سیاسی دوران زندگی خود قرار گرفت و حتی در تکوین و شکل‌گیری این اندیشه‌ها در ایران تأثیر نهاد. موضوع کتاب بررسی نقطه نظرات و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی مجددالاسلام در انقلاب مشروطیت است.

نقش کلیدی روزنامه‌نگاران در پیشرفت مشروطه و تغییر روند حوادث کشور از جمله مسائلی است که همواره ذهن کاوشگران عرصه تاریخ معاصر را به خود مشغول کرده است. مجددالاسلام کرمانی از جمله این روزنامه‌نگاران است که اکنون بعد از گذشت بیش از یک قرن از حیات فکری و سیاسی او، برای اولین بار افکار او مورد موشکافی قرار می‌گیرد. او از معدود اندیشمندانی است که در تمام دوران فعالیت‌های

سیاسی برای به ثمر رساندن مشروطه و نیز بعد از آن تا استبداد صغیر حضور داشته و در جریان سکوت مشروطه به علل انحطاط مشروطه و دلایل آن پرداخته است.

در این کتاب سعی داریم ضمن تکیه بر اسناد و شواهد موجود، تصویر نسبتاً روشنی از زندگی سیاسی- اجتماعی و دیدگاه‌های مجدالاسلام کرمانی در پیوند با اوضاع و وقایع زمانه‌ی او ارائه دهیم. نیز تلاش می‌کنیم با ارائه‌ی سؤالات دقیق و موشکافانه و ارائه‌ی نگاهی نسبتاً همه جانبه به زندگی و اندیشه‌های او ذهن خواننده را به کاوش و تحقیق بیشتر برانگیزیم.

جا دارد از زحمات استاد ارجمندم جناب دکتر باستانی پاریزی که ضمن ارائه نقطه نظرات عالمانه خود با نگارش مقدمه‌ای زیبا بر ارزش اثر بیش از پیش افزودند تشکر کنم. از غلامحسین زرگری نژاد که راهنمایی این جانب را در تهیه پایان نامه بر عهده داشتند ممنونم. نیز از استاد فرهیخته ام جناب دکتر رسول جعفریان که اسباب چاپ و انتشار این کتاب را فراهم ساختند قدردانی می‌کنم. در پایان لازم می‌دانم از دست‌اندرکاران انتشارات علمی بویژه جناب آقای مهدی علمی که با نشر این اثر ما را قرین مرحمت خویش قرار دادند صمیمانه سپاسگذاری کنم.